



مرکز پژوهش‌های اتاق
ایران

درباره طرح "اصلاح قانون اتاق بازرگانی، صنایع،
معادن و کشاورزی ایران"
۱. بررسی کلیات
(ویرایش اول)

مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و

کشاورزی ایران

بهمن ۱۳۹۹

بنام خدا

طرح اصلاح قانون اتاق بازرگانی با امضای ۵۵ نفر از نمایندگان مجلس به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است. در مقدمه توجیهی این طرح تصریح شده است که اتاق با وجود ابعاد وسیع و درآمدهای سرشار، بدلیل عدم وجود نظارت‌های شایسته غیر وابسته، نماینده خوبی برای فعالان بخش خصوصی و به‌ویژه تولیدکنندگان کشور به شمار نمی‌رود. در ادامه تهیه‌کنندگان طرح ۱۱ مشکل منتسب به عملکرد اتاق را احصا و این چالش‌ها را دلیل اصلی تهیه طرح جایگزین این قانون با قانون اتاق بازرگانی عنوان نمودند.

باید در نظر داشت که از عمر برخی از قوانین موجود در کشور بیش از ۵۰ سال می‌گذرد و شکی نیست با توجه به تغییر شرایط و نیازها، به‌روزرسانی این قوانین نیز ضرورت می‌یابد، اما عجله و شتابزدگی در اصلاح و تغییر قوانین بیشتر به عقب‌گرد قانونی و رفتار غیر کارشناسانه منتج شده و دستاوردی به همراه نخواهد داشت و می‌تواند آسیب‌های جدی نیز به همراه داشته باشد.

در طرح پیشنهادی به‌جای آنکه همگام با اقتصاد روز دنیا و الگوبرداری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، جایگاه اتاق بازرگانی و به‌تبع آن بخش خصوصی را بهبود دهد، در نهایت شگفتی در حال پررنگ کردن هر چه بیشتر نقش دولت در بزرگترین تشکل بخش خصوصی کشور است که در فضای کنونی اقتصاد گامی رو به عقب به شمار می‌رود.

شایسته ذکر است که در قبال انتقادهایی که به برخی کارکردهای اتاق وجود دارد، فرایندهای پیش‌بینی شده در قانون اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند فعال شود و با اصلاح آئین‌نامه‌های مرتبط توسط هیئت نمایندگان و شورای عالی نظارت عمده ایرادهای مدنظر طراحان محترم قابل رفع است. در ادامه به برخی از اشکالات جدی وارد به کلیت طرح پیشنهادی اشاره می‌شود که سبب زیرسوال رفتن منطق و اصول آن شده و این سوال را به ذهن متبادر می‌سازد که با توجه به چنین پیش‌فرض‌های غیردقیقی که بنیان قانون بر آن قرار دارد می‌توان به متن مواد پیشنهادی استناد کرد.

۱) در مقدمه توجیهی طرح، نمایندگان اذعان نموده‌اند که "اتاق بازرگانی با توجه به داشتن اختیارات تنظیم‌گری، در زمره تشکل‌هایی قرار می‌گیرد که دارای اختیارات تنظیم‌گری است." اگر نمایندگان اقرار دارند که اتاق بازرگانی یک نهاد تنظیم‌گر اقتصادی و بازرگانی است باید طبعاً به الزامات ساختاری و هنجاری آن نیز متعهد باشند. ماهیت سازمانی اتاق بازرگانی ایران چیست؟ آیا یک نهاد تنظیم‌گر بازرگانی است که دارای کارویژه‌های خودتنظیمی است؟ همان‌طور که بنا به ظاهر امر به نظر می‌رسد اتاق بازرگانی یک نهاد تنظیم‌گر و خودانتظام است، اما آیا چارچوب‌های قانونی و حقوقی هم‌چنین برداشتی را تأیید می‌کند یا اینکه میان برداشت عمومی از اتاق بازرگانی و مستندات قانونی و حقوقی آن فاصله وجود دارد؟ برای بررسی کوتاه سؤالات فوق در ابتدا مروری بر بایسته‌های نهادی خودتنظیمی ضروری است:

الف- سازمان‌های خود انتظام معمولاً در زمینه فعالیت‌های حرفه‌ای یا بازرگانی ایجاد می‌شوند و هدف اصلی آنها کاهش نقش مداخله دولت و نظارت‌های قوای دیگر از جمله نهاد قانون‌گذاری است. در این زمینه، یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های نهاد خودتنظیم استفاده از ابزارها و تدابیر وضع قاعده برای فعالین تحت تنظیم‌گری است. در این رابطه،

واضح است که طرح پیشنهادی نمایندگان مجلس، برخلاف این منطق حرکت می‌کند، زیرا طرح مشتمل بر ترتیباتی است که در مورد افزایش نقش حاکمیت در ساختار و مدیریت اتاق بازرگانی ایران است.

ب- از ویژگی‌های نهادهای خودتنظیم، مشارکت داوطلبانه و ارادی اعضا و بنگاه‌های عضو آن برای تصمیم‌گیری جمعی و بر اساس نوعی الزام درونی و داوطلبانه است. طرح پیشنهادی نمایندگان این ویژگی نهادهای خودتنظیم را مخدوش می‌سازد، زیرا با تغییر ترکیب و اعضای شورایی نظارت و هیئت مرکزی انتخابات، بعید به نظر می‌رسد که بتوان تصمیم‌ها و خطمشی‌های نهادهای فوق را به اعضا و بنگاه‌های عضو آن نسبت داد. تأثیر چنین رویکرد سیاسی و حاکمیتی به اتاق بازرگانی می‌تواند کاهش مشارکت داوطلبانه اعضا آن و حتی امکان خروج بنگاه‌های فعال اقتصادی و صنعتی و تولیدی را از این نهاد در پی داشته باشد.

پ- مؤلفه دیگر، استقلال نسبی نهادهای خود انتظام از دولت و قوای حاکمیت است. استقلال نهادهای خودتنظیم تضمین‌کننده موفقیت و تأثیر این گونه نهادها در جلب مشارکت‌های داوطلبانه اعضا آن و بنگاه‌های اقتصادی است. این استقلال باید در صلاحیت‌های قانونی آنها در ساختار مستقل آنها از شبکه‌های سازمانی دولت و قوای حاکمه و در نیروی انسانی آنها باشد. نسبی بودن استقلال آنها نیز بدین دلیل است که معمولاً تأسیس این نهادها به موجب مصوبات دولت‌ها و یا قوانین مصوب مجالس قانون‌گذاری است و بودجه آنها بعضاً از سوی کمک‌های دولتی تأمین می‌شود و لذا استقلال کامل از دولت برای آنها امکان‌پذیر نمی‌باشد، لیکن طرح پیشنهادی نمایندگان به وضوح در بخش‌های مهم و اساسی آن صلاحیت تصمیم‌گیری و خطمشی‌گذاری و انتخابات و نظارت بر آن را خدشه‌دار می‌سازد.

ت- مسئله‌ای که همچنان باقی است، این است که در وضع کنونی و منطبق با قانون فعلی، آیا اتاق بازرگانی ایران یک نهاد تنظیم‌گر با اختیارات ویژه در حوزه فعالیت‌های بازرگانی، صنعتی، معدنی، تولیدی و کشاورزی برای اعضا خود تلقی می‌شود؟ با مشاهده و تفحص در مقایسه با نهادهای خود انتظامی مانند کانون وکلا، سازمان نظام پزشکی، سازمان نظام مهندسی و اتحادیه‌های اصناف، معلوم می‌گردد که اتاق بازرگانی ایران از جایگاه، صلاحیت‌ها، ابزارهای تنظیمی و نظارتی لازم و ضروری برای تحقق کارویژه خودتنظیمی برخوردار نیست.

در غالب موارد نهادهای خودتنظیم از اختیارات استاندارد گذاری رفتاری اقتصادی، تعرفه گذاری، قاعده گذاری، به‌کارگیری ضمانت اجراهای حقوقی، مجوز دهی و ابطال مجوز فعالیت و نظارت مؤثر بر فعالیت‌های بنگاه‌های تحت تنظیم‌گری برخوردارند. با عنایت به قانون فعلی اتاق بازرگانی ایران درمی‌یابیم که اتاق بازرگانی تقریباً از هیچ یک از صلاحیت‌های فوق برخوردار نیست. (به موجب آئین نامه نحوه عضویت در اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی مصوب ۷۴، اتاق ایران بر اساس اختیار کمیسیون ماده ۵، توانایی تعلیق یا لغو عضویت اشخاص حقیقی و حقوقی و نیز ابطال کارت بازرگانی این اشخاص را با **تایید وزارت صمت** دارد).

برخلاف نهادهای خود انتظام دیگر مانند کانون وکلا و نظام مهندسی و نظام پزشکی و اتحادیه‌های صنفی، اتاق بازرگانی حق مداخله در فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی و تشکل‌ها را نداشته و نمی‌تواند از ابزارها و تدابیر لازم مانند صلاحیت صدور مجوز فعالیت یا ابطال آن، تعطیلی بنگاه اقتصادی، نظارت بر قیمت‌گذاری، استاندارد گذاری و نظارت بر فعالیت‌های رقابت‌پذیر بهره‌گیری نماید. مهم‌ترین صلاحیت‌های اتاق بازرگانی ایران مواردی است که در ماده ۵

قانون اتاق بازرگانی احصا شده است مانند هماهنگی و همکاری بین بازرگانان و صاحبان صنایع و معادن، ارائه نظرات مشورتی به قوای سه‌گانه، ارتباط با اتاق سایر کشورها، تشکیل نمایشگاه‌های تخصصی و بازرگانی، شناسایی بازارهای صادراتی و تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاری داخلی در امور تولیدی، تشکیل اتحادیه‌های صادراتی و وارداتی، دایر کردن دوره‌های کاربردی و تشکیل اتاق‌های مشترک و ... لذا می‌توان نتیجه گرفت که برخلاف اعتقاد نمایندگان پیشنهاددهنده طرح جدید قانونی، اتاق بازرگانی ایران یک نهاد تنظیم‌گر اقتصادی و بازرگانی نیست، بلکه بیشتر یک نهاد هماهنگ‌کننده و تسهیل‌کننده برای همکاری میان اعضای اتاق و کمک در راستای آموزش و شناسایی بازارهای صادراتی و صرفاً یک نهاد هدایت‌کننده و مکمل فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی است و به هیچ وجه نمی‌توان آن را در جامه یک نهاد تنظیم‌گر اقتصادی یا بازرگانی تصور کرد. بنابراین، نمی‌توان به اشتباه، اتاق بازرگانی را یک نهاد تنظیم‌گر تصویر کرد و سپس به اتکا یک برداشت اشتباه اقدام به طرحی کرد که اساساً اتاق بازرگانی در چنین جایگاهی نیست. چنانچه قانون‌گذار قصد دارد اتاق بازرگانی ایران را به مثابه یک نهاد تنظیم‌گر اقتصادی و بازرگانی تعریف نماید، باید اساساً طرح قانونی نمایندگان را کنار گذاشته و فراتر از طرح فعلی نمایندگان، اتاق بازرگانی را بمانند یک نهاد خودانتظام مانند سایر نهادهای مذکور در این گزارش ساماندهی نماید.

۲) یکی دیگر از اشکالات وارد به این طرح، تغییر اتاق از یک موسسه غیرانتفاعی به موسسه عمومی غیردولتی است. در واقع اشاره شده است "از آنجا که اتاق بازرگانی یک تشکل بخش خصوصی است و از منابع فراوانی برخوردار است، فقدان سازکارهای مناسب موجب ناهمگونی اتاق بازرگانی شده است" و مهمترین آن، ماهیت قانونی تشکیل اتاق‌ها است که آن را موسسه‌ای غیرانتفاعی معرفی کرده است که از هرگونه نظارتی توسط نهادهای نظارتی کشور مصون مانده است و لذا ضرورت دارد تا به موسسه غیردولتی تبدیل شود تا امکان ورود سامانه‌های کنترلی در آن فراهم گردد.

در همین زمینه ذکر چند نکته ضرورت دارد:

یک، موسسه عمومی غیردولتی چگونه موسسه‌ای است؟ مطابق ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور "موسسه عمومی غیردولتی واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد تشکیل شده و یا می‌شود،" و مطابق ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری، "موسسه عمومی غیردولتی واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس ایجاد شده یا بشود و بیش از ۵۰ درصد بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی است و عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد."

دو، با توجه به مستندات فوق، موسسه عمومی غیردولتی نه موسسه دولتی است و نه موسسه خصوصی. از لحاظ منابع مالی نیز در حداقل‌هایی (تا ۴۹ درصد) وابسته به دولت است، لیکن مهم‌ترین مؤلفه یک موسسه عمومی غیردولتی، این است که عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد. جنبه عمومی فعالیت‌های یک موسسه متکی بر این امر است که موسسه موردنظر خدماتی را ارائه نماید که موجب رفع نیازها و انتظارات **عمومی مردم** می‌گردد. لیکن به عنوان مثال یک نهاد صنفی که قاعدتاً برای رفع مشکلات اعضا خود در یک حرفه و پیشه معین تشکیل شده است را نمی‌توان یک موسسه عمومی تلقی کرد و یا فعالیت‌ها و خدمات آن را عمومی بشمار آورد. اتاق بازرگانی با عنایت به قانون تشکیل آن، از اعضا و فعالان بخش صنعت، معدن، تجارت و کشاورزی بخش خصوصی

تشکیل شده است و دارای "ماهیتی صنفی و مدنی" است. لذا چنانچه قرار باشد اتاق بازرگانی را بنا به استدلال فوق به موسسه‌ای عمومی غیردولتی تبدیل نماییم، باید کلیه اصناف و اتحادیه‌ها را نیز به موسسه عمومی غیردولتی تبدیل نماییم و به عنوان مثال کانون وکلا، نظام پزشکی، نظام پرستاری، نظام روانشناسی، نظام مهندسی را هم به موسسه عمومی غیردولتی تبدیل کنیم.

سه، بر اساس بند (ب) ماده ۲۰ قانون اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و به موجب ماده ۶۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، سه در هزار مالیات درآمد مشمول مالیات دارندگان کارت‌های بازرگانی، مستقیماً به حساب اتاق ایران واریز می‌شود.

بنابراین اولاً درآمد اتاق از این محل، مالیات نیست. ثانیاً از همه مؤدیان مالیاتی نیز دریافت نمی‌شود. بلکه فقط از دارندگان کارت بازرگانی اخذ می‌گردد. لذا، درآمدهای اتاق، منابع عمومی به حساب نمی‌آید. ثالثاً به این پرسش جدی باید پاسخ داد که آیا تأمین بخشی از منابع اتاق توسط دولت استقلال این نهاد و مداخله دولت را بیشتر می‌کند یا کمتر؟

چهار فهرست نهادهای عمومی غیر دولتی در ایران طبق قانون تعیین شده است. اگر به "**قانون فهرست نهادهای عمومی غیردولتی**" نگاه کنیم نهادهای موجود در آن عبارت‌اند از شهرداری‌ها، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، هلال احمر، کمیته امداد امام (ره)، کمیته ملی المپیک ایران، بنیاد ۱۵ خرداد، سازمان تبلیغات اسلامی، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، سازمان تأمین اجتماعی، فدراسیون‌های ورزش آماتوری ج.ا.ا، موسسه‌های جهاد نصر، جهاد استقلال و جهاد توسعه، کتابخانه حضرت آیت اله مرعشی نجفی (قم)، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، جهاد دانشگاهی، بنیاد بیماری‌های خاص، سازمان دانش‌آموزی ج.ا.ا، صندوق بیمه اجتماعی روستائیان و عشایر، صندوق تأمین خسارت‌های بدنی.

با نگاهی به فهرست فوق می‌توان به‌روشنی دریافت که نهادی مانند اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران هیچ‌سختی با دستگاه‌های مزبور ندارند. منابع مالی دستگاه‌های فوق، منابع دولتی یا عمومی است و جعلی به صورت مستقیم زیر نظر مقام معظم رهبری یا رئیس‌جمهور یا وزرا هستند. لذا تبدیل کردن اتاق به نهاد عمومی غیردولتی با توجه به تعریف مشخص قانون مدیریت خدمات کشوری درباره نهادهای عمومی غیردولتی و فهرست تعیین شده در قانون فهرست نهادهای عمومی غیردولتی به معنای اجازه مداخله بی‌حد و حصر نهادهای حکومتی به دخالت در امور اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران است.

۳ یکی از اشکالات جدی و اساسی وارد به طرح نمایندگان که تمامیت طرح را تحت تأثیر قرار داده است، سیاسی شدن ساختار اتاق بازرگانی و افزایش میزان مداخله دولت و قوای سه‌گانه در کارکردها و صلاحیت‌ها و ساختارهای تصمیم‌گیری اتاق بازرگانی است که هدف از تشکیل آن در قانون فعلی اتاق منعکس شده است، از جمله اهداف: ایجاد هماهنگی و همکاری بین بازرگانان و صاحبان صنایع و معادن و کشاورزی در اجرای قوانین، همکاری با دستگاه‌های اجرایی و ارتباط با سایر اتاق‌های کشورهای دیگر است.

این طرح آشکارا دچار تناقضی درونی است و آن این است که از یک طرف اتاق بازرگانی را به عنوان یک نهاد غیردولتی برای اهداف مذکور مورد شناسایی قرار داده، لیکن وقتی به ساختارهای تصمیم‌گیری مانند شورایی

نظارت و هیئت مرکزی انتخابات و اتاق‌های جدید استانی می‌رسد، اتاق را تقریباً به یک نهاد ضعیف و بی‌خاصیتی که در دستان نمایندگان سه قوه خواهد بود، تبدیل ساخته است. بی‌شک با میزان مداخله حکومتی در ابعاد ساختاری و تصمیم‌گیری و نظارتی پیش‌بینی شده در طرح جدید، نمی‌توان انتظار داشت اتاق بازرگانی به اهداف خود برسد و یا مشارکت فعالی را از سوی اصناف بازرگانی و صنعتی و تولیدی و کشاورزی جلب نماید. ضمن آنکه حضور پررنگ قوای سه‌گانه در ارکان بالای تصمیم‌گیری و نظارتی اتاق، صحنه را برای اختلافات اساسی و بعضاً سیاسی نمایندگان قوای سه‌گانه و تعارض منافع آنان در صحن تصمیم‌گیری اتاق بازرگانی فراهم می‌آورد.

نقد جدی دیگری که به طرح پیشنهادی از همین زاویه وارد است این است که ساختار پیشنهادی مداخله‌جویانه، با اهداف و خط‌مشی‌های مقرر در سیاست‌های کلی نظام، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه مبنی بر عدم مداخله دولت و حکومت در اقتصاد، واگذاری مدیریت اقتصادی و کاهش نقش دولت و حکومت در اقتصاد در تعارض اساسی قرار دارد.

این تناقض درونی طرح را می‌توان در موارد زیر مشاهده کرد:

- در ترکیب جدید شورایی نظارت اتاق بازرگانی نقش نمایندگان اتاق بسیار کمرنگ شده است و به جای آن ترکیب شورایی حکومتی تقویت گردیده است.

- معمولاً حضور نمایندگان مجلس در شوراها و کمیسیون‌های خارج از قوه مقننه بصورت ناظر و بدون حق رأی است که در این طرح رعایت نشده است و نمایندگان منتخب مجلس در شورایی نظارت دارای حق رأی هستند که دلیل آن نامعلوم است.

- حضور نمایندگان اتاق‌های شهرستان‌ها در هیئت نمایندگان حذف شده و به جای آن نمایندگان اتاق‌های استان‌ها حضور خواهند داشت که شبیه سیاسی شدن هیئت نمایندگان و انتخابات اتاق‌ها را افزایش داده است.

- حضور کارشناسان وزرا و رئیس قوه قضاییه (جمعاً ۱۲ کارشناس) در هیئت نمایندگان توجیه منطقی ندارد.

- نظارت بر انتخابات از طریق ایجاد هیئت نظارت مرکزی با ترکیبی از منصوبین وزیر صمت، دیوان محاسبات، معاون قوه قضاییه، معاون وزارت اطلاعات و معاون سازمان بازرسی کل کشور به شدت حکومتی شده است.

۴) در قسمت دیگری از مقدمه توجیهی گفته شده است که اتاق بازرگانی خود را مشاور سه قوه می‌داند، لیکن فقط نمایندگان قوه مجریه به طور وسیعی حضور دارند و از سوی دو قوه مقننه و قضاییه هیچ نظارتی بر آن نمی‌شود و در نتیجه اتاق به پایگاهی امن برای تصمیمات دولت تبدیل شده است و لذا ضرورت دارد که نمایندگان سایر قوا نیز در آن حضور داشته باشند.

یک، نقش مشورتی اتاق بازرگانی در بند ب ماده ۵ قانون اتاق بازرگانی در مورد مسائل اقتصادی کشور برای قوای سه‌گانه از سوی قانون‌گذار تعیین شده است و صلاحیتی نیست که اتاق بازرگانی برای خود قائل شده باشد.

دو، با بررسی اجمالی قوانین تأسیس نهادهای خودتنظیم مانند سازمان نظام پزشکی، سازمان نظام مهندسی و کانون وکلای دادگستری که همه مستند به قوانین مصوب مجلس می‌باشند، این امر مشخص می‌شود که داشتن نقش مشورتی رابطه منطقی و معناداری با حضور نمایندگان مجلس و یا قوه قضاییه ندارد، بلکه آنچه اهمیت دارد میزان نقش این نهادهای خودتنظیم در امور حرفه‌ای و صنفی اعضای آنان به عنوان یک نهاد مستقل خود سامان است

که می‌تواند حضور نمایندگان مجلس آن‌هم به‌صورت ناظر و بدون حق رأی را توجیه نماید. مضافاً اینکه نمایندگان مجلس در برخی از این نهادهای صنفی یا حرفه‌ای حتی به‌صورت ناظر نیز حضور ندارند مانند کانون وکلای دادگستری و یا سازمان نظام مهندسی. لازم به توضیح است که اتاق بازرگانی ایران در مقایسه با نهادهای خودتنظیم فوق که ماهیتی صنفی و حرفه‌ای دارند مانند سازمان نظام پزشکی و کانون وکلا و سازمان نظام مهندسی از صلاحیت‌های اجرایی، نظارتی، تنظیم‌گری، استاندارد گذاری و تعرفه گذاری بسیار کمتری برخوردار است به‌گونه‌ای که می‌توان در نقش تنظیم‌گری و خود انتظامی اتاق بازرگانی تردید روا داشت. با عنایت به نکته بسیار مهم فوق، می‌توان به این نتیجه دست یافت و آن اینکه نهادی که از صلاحیت‌های عام و اجرایی خود انتظامی مانند نهادهای نسبتاً مشابه برخوردار نیست، به چه دلیل موجه یا چگونه باید تحت سامانه‌های کنترلی و نظارتی فراتر از نهادهای مشابه خود قرار بگیرد.

سه، آیا سامانه‌های کنترلی و نظارتی بخش دولتی و حاکمیتی مانند سازمان بازرسی کل کشور برای نظارت بر فعالیت‌های اتاق بازرگانی ضرورت دارد؟

چنانچه منظور از سامانه‌های کنترلی، نظارت سازمان بازرسی کل کشور یا احياناً دیوان محاسبات کشور باشد، مطابق اصل ۱۷۴ قانون اساسی سازمان بازرسی کل کشور صلاحیت نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری را داراست و از آنجا که اتاق بازرگانی دستگاه اداری نیست، صلاحیت ورود به فعالیت‌های اتاق بازرگانی را ندارد.

از سوی دیگر تجارب کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نیز مؤید این نکته است که اتاق‌های بازرگانی در دنیا بیش از پیش در حال کمرنگ کردن وابستگی خود به دولت و حرکت به سمت حذف یارانه‌های دولتی همراه با ارائه خدمات جذاب به منظور جذب حداکثری اعضاء و تمرکز بر نمایندگی بخش خصوصی هستند، این درحالیست که طرح پیشنهادی نمایندگان محترم در خلاف جهت این رویکرد عمومی در دنیا و به دنبال تقویت نقش دولت در اتاق به بهانه عدم عملکرد مناسب این نهاد است. (گزارش بعدی این مرکز که به مقایسه تطبیقی ساختار اتاق ایران با برخی کشورها و نسبت آن با طرح فعلی می‌پردازد، بزودی منتشر خواهد شد.)

مطالعه قانون اتاق‌ها در کشورهای قطر، ترکیه، کره، ژاپن، آلمان، فرانسه و اتریش نشان می‌دهد که اتاق‌ها در دنیای مدرن با تغییرات جدی مواجه شده و به دلیل نارضایتی فعالان کسب و کار از مداخلات دولت در امور اتاق، این نهاد در مسیر تازه‌ای گام نهاد که ماحصل آن استقلال بیشتر از دولت بود. قانون این اتاق‌ها نمایانگر آن است هیئت نمایندگان و هیئت رئیسه این اتاق‌ها از طریق انتخابات و از سوی اعضای انتخاب می‌شوند که نمایندگان بخش‌های مختلف اقتصادی بوده و عزل و نصبی از سوی دولت در آنها وجود ندارد. علاوه بر آن نهاد نظارتی دولتی مشابه شورای عالی نظارت در اتاق ایران در این کشورها وجود ندارد و اتاق‌ها در این کشور به طور مستقیم به یک وزارتخانه پاسخگو هستند.

مهم‌ترین منابع درآمدی این اتاق‌ها نیز حق عضویت است، با این توضیح که عضویت برای کلیه شرکت‌ها در اتاق این کشورها اجباری است. در واقع به جز اتاق فرانسه و ژاپن که کمک‌های دولتی به نفع اتاق دریافت می‌شود، اتاق‌ها به

سمتی حرکت می‌کنند که کمک دولتی را حذف کرده و با تکیه بر درآمد ناشی از حق عضویت اداره امور خود را به عهده بگیرند. به طور مثال اتاق اقتصادی فدرال اتریش تا اواسط دهه ۱۹۹۰ با تکیه بر درآمدهای مالیات تجارت خارجی که بر واردات و صادرات کالا وضع شده بود اداره می‌شد که با الحاق اتریش به اتحادیه اروپا این مالیات لغو و به سمت افزایش حق عضویت برای درآمدزایی پیش رفت.

تلاش اتاق‌ها برای حذف کمک‌های دولتی در واقع با هدف کاهش نقش دولت در امور اتاق صورت گرفته، چرا که وابستگی به درآمدهای دولتی مهم‌ترین نقطه اتصال اتاق به دولت و عامل اصلی مداخلات دولتی‌ها در این نهاد به شمار می‌رود.

طرفه آنکه بررسی طرح پیشنهادی و مقایسه آن با تجارب سایر اتاق‌ها در دنیا، نمایانگر آن است که طرح حاضر، به هیچ وجه در انطباق با این تجارب قرار نمی‌گیرد. این طرح حتی در هماهنگی با برخی از دلایل توجیهی ذکر شده در مقدمه خود مبنی بر بهبود نقش اتاق به عنوان نماینده فعالان بخش خصوصی به ویژه تولیدکنندگان، نیست، چراکه با افزایش نقش حاکمیت در اتاق، بنگاه‌های اقتصادی نه تنها در خانه خود تبدیل به مهمان خواهند شد، بلکه انگیزه‌ای نیز برای عضویت در اتاق نخواهند داشت.

شاید بتوان حرکت اتاق ایران به سمت عضویت فراگیر، حذف تدریجی درآمد از طریق چهار در هزار سود سالانه (به موجب تبصره ۲ ماده ۴ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی)، حذف کارت بازرگانی و ارائه خدمات جذاب برای عضوگیری (از جمله تلاش برای ایفای نقش مؤثر در هم‌رسانی کسب و کارها در ایران و میان شرکت‌های ایرانی و خارجی، رتبه‌بندی کسب و کارها و تعریف و ارائه گواهی‌نامه‌های ملی و بین‌المللی برای تخصصی شدن امر صادرات و واردات و غیره) را تلاش‌های موجه برای استقلال بیشتر اتاق‌ها از دولت در ایران دانست.

با این توضیحات، پیشنهاد می‌شود کلیات طرح اصلاح قانون اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران توسط نمایندگان محترم رد شود.